



شنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵

شماره ضمیمه محله ۶۵۹

ضمیمه روزنامه شهرآرا

شماره روزنامه ۳۸۳۱

محله ۱ و ۲

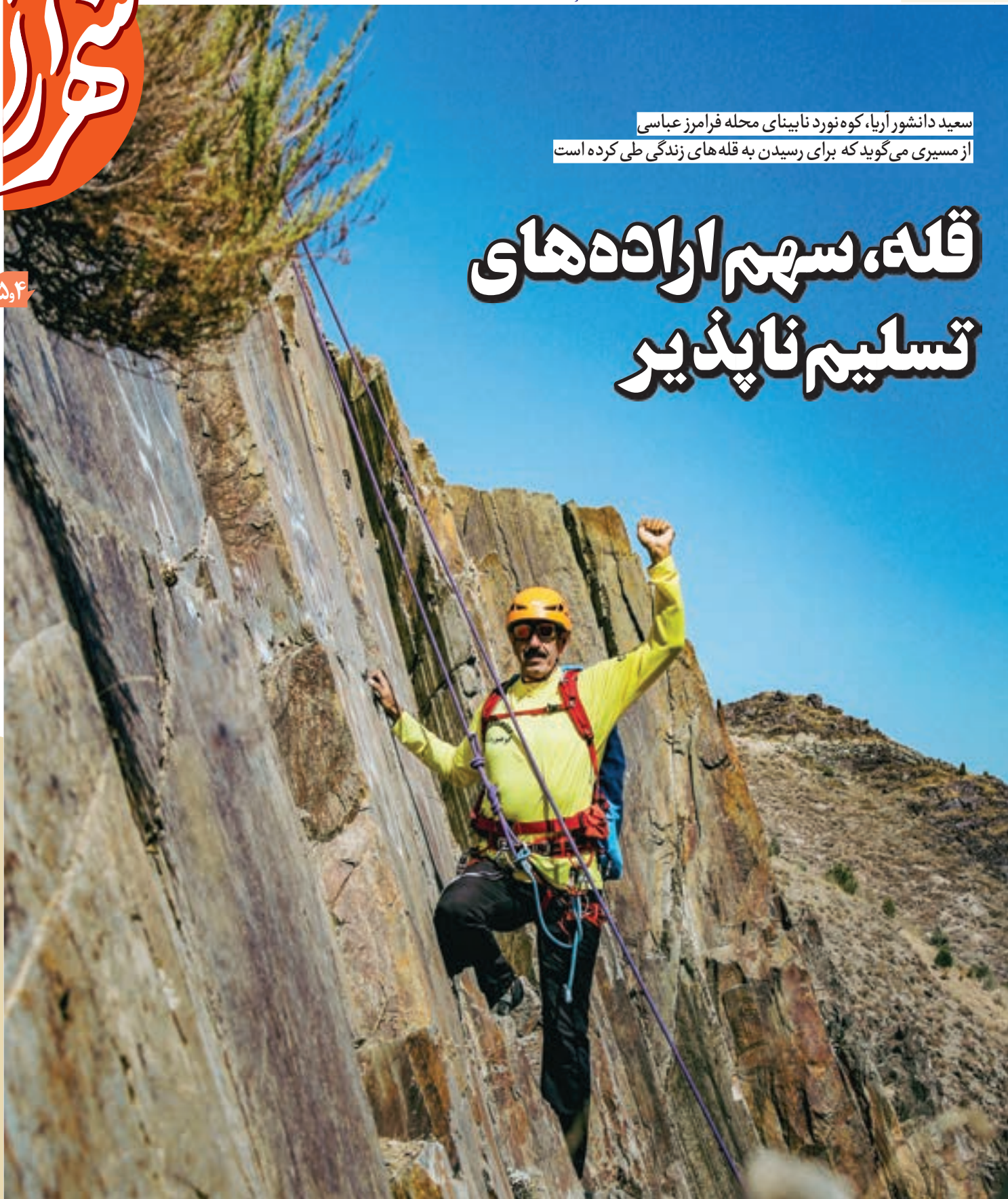
برای پیوستن به کانال شهرآرا محله منطقه ۱ و ۲ کد روبه رو را اسکن کنید
Mashhad.chehreh — Mashhadchehreh.ir — شهرآرا



سعید دانشور آریا، کوه نورد نابینای محله فرامرز عباسی
از مسیری می گوید که برای رسیدن به قله های زندگی طی کرده است

قله، سهم اراده های تسلیم ناپذیر

۵۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

جلسه «مثبت شصت ساله ها» به یاد حاج حسین ملک
بزرگ ترین واقف فرهنگی ایران برگزار شد

میراثی فراتر از املاک

۶



ساکنان و کسبه خیابان ایثارگران از وضعیت
پیاده رو و جوی و جدول خراب این معبر گله دارند
پیاده ها در مسیر ناهموار

۳

یادی از امام جماعت مسجد ولی عصر (عج) که بعد از
۲۰ سال پدری برای اهالی، به تازگی به رحمت خدا رفت
وداع با خادم محله

۷



پیاده‌روهای خیابان آبکوه هنوز برای عبور ویلچر مناسب نیست

رمپی برای معلولان نداریم

صفائی حدود یک سال از ساخت رمپ‌های حاشیه خیابان آبکوه می‌گذرد؛ رمپ‌هایی که به نگاه مردم قرار بود رفت و آمد افراد ویلچرنشین را آسان‌تر کند. اما حالا گلیه ساکنان و اعضای شورای اجتماعی محله کلاهدوز این است که این مسیر هانه تنها استاندارد نیست، بلکه در بسیاری مواقع استفاده از آن‌ها برای توان‌یابان سخت و حتی خطرناک است. به گفته اهالی، ناهمواری پیاده‌رو، شکستگی موزاییک‌ها، عرض کم مسیر و وجود موانع، عبور افراد ویلچرنشین را دشوار کرده است؛ تاجایی که برخی از آن‌ها ترجیح می‌دهند به جای پیاده‌رو، از خیابان عبور کنند.



پیگیری‌های بی نتیجه

رئیس شورای اجتماعی محله کلاهدوز می‌گوید: بیشتر معابر مابرای افراد ویلچری مناسب نیست. بارها از شهرداری خواسته ایم دست‌کم خیابان‌های اصلی را برای تردد این شهروندان بهسازی کنند. حدود یک سال پیش، رمپ‌هایی در امتداد معابر خیابان آبکوه ساختند، اما این رمپ‌ها غیراستاندارد و نامناسب است و کاربردی برای آن‌ها ندارد. گنجی ادامه می‌دهد: موضوع را چند بار پیگیری کرده ایم، اما پاسخ این بوده است که اگر اعتبار لازم تأمین شود، همراه با بهسازی پیاده‌روها این مشکل هم برطرف خواهد شد.

نامناسب برای همه

یکی از کسبه خیابان آبکوه نیز وضعیت فعلی را نامناسب می‌داند. احمد حسین زاده می‌گوید: تا حالا دیده‌ام فرد معلولی از این رمپ‌ها استفاده کند. اگر هم بخواهد از اینجا عبور کند، ترجیح می‌دهد در خیابان حرکت کند. او با اشاره به ناهمواری پیاده‌رو می‌افزاید: فرض کنید فرد ویلچرنشین داخل پیاده‌رو بیاید، اما در ادامه مسیر با این پیاده‌رو ناهموار چه کند؟ همین حالا هم آدم‌های سالم گاهی در این مسیر زمین می‌خورند. چه برسد به افرادی که با ویلچر رفت و آمد می‌کنند.

ناچار به تردد در خیابان

ابراهیم گرامی، یکی از ساکنان محله که پس از سکت مغزی در سال ۱۳۹۵ ویلچرنشین شده است، از تجربه‌های تلخ خود هنگام تردد در این مسیر می‌گوید. او ترجیح می‌دهد به جای پیاده‌رو، از خیابان عبور کند. گرامی با نشان دادن شکستگی‌های کف پیاده‌رو می‌گوید: همین ترک‌ها و شکستگی‌های کوچک برای مادر سراساز است. یک بار چرخ ویلچرم در همین ناهمواری هاگیر کرد و زمین خوردم. انگشت

دست راستم به همین دلیل شکسته است.

او ادامه می‌دهد: برای همین ترجیح می‌دهم از خیابان بروم، حتی اگر مجبور شوم خلاف جهت خود روها حرکت کنم. بعضی راننده‌ها هم ناراحت می‌شوند و بدویا می‌گویند، اما سلامتی‌ام مهم‌تر است. این شهروند ویلچرنشین می‌گوید: حتی شیب‌هایی که شاید به چشم دیگران نیاید، برای ما عبور را سخت می‌کند. سربالایی خیابان‌ها هم که دیگر جای خود دارد؛ مسیری که برای دیگران عادی است، برای یک ویلچرنشین شبیه یک مسیر فرساینده و نفس‌گیر است. سنگ‌هایی (کوبیک) که در ابتدای برخی از خیابان‌ها برای آرام‌سازی گذاشته‌اند، برای ما مانند سدی است که عبور از آن سخت است.

او همچنین از موانع موجود در پیاده‌رو گلیه دارو می‌گوید: این شهر برای تردد ما ساکنان ساخته نشده است. میله‌هایی که در مسیر نصب می‌کنند تا موتور رد نشود، عبور ویلچر را سخت می‌کند. عرض بعضی پیاده‌روها هم آن قدر کم است که حتی یک عابر به سختی رد می‌شود؛ در چنین شرایطی چطور می‌توان با ویلچر از آن عبور کرد؟

اعتبار باشد، درست می‌کنیم

در پی گزارش‌های مردمی و بازدید میدانی خبرنگار شهرآرامحله از وضعیت نامناسب رمپ‌های عبور ویلچر در خیابان آبکوه، موضوع را از رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه یک، پیگیری کردیم.

حجت‌نراقی همان ابتدا توضیح می‌دهد رمپ‌ها برای عبور مادران باکالسه است نه ویلچر. او در پاسخ به دغدغه شهروندان می‌گوید: طرح و اسناد فنی مربوط به بهسازی پیاده‌راه‌های این محدوده آماده شده است. اما دلیل اصلی اجرانشدن آن‌ها، محدودیت‌های اعتباری است. در حال حاضر، به دلیل کمبود منابع مالی، اولویت شهرداری، رفع خطرات فوری معابر مانند نشست‌های ناگهانی، پیاده‌روها و آسفالت‌های پرخطر است تا ایمنی شهروندان به خطر نیفتد.



شهردار منطقه یک از بهسازی فضای سبز در منطقه خبر داد

جان دوباره در میدان تختی

صفائی میدان تختی، یکی از میدان‌های شناخته شده منطقه یک، حال و هوای تازه‌ای پیدا می‌کند. چمن‌ها و فضای گل این میدان قرار است با اجرای عملیات بازپیرایی، شاداب‌تر و سرسبزتر شوند؛ اقدامی که قرار است هم به زیبایی میدان کمک کند و هم فضای دلپذیرتری بسازد برای شهروندانی که از این محدوده عبور می‌کنند.

شهردار منطقه یک مشهد با اشاره به اجرای عملیات بازپیرایی چمن و فضای گل میدان تختی می‌گوید: این طرح با هدف ارتقای کیفیت فضای سبز، افزایش زیبایی بصری و حفظ شادابی پوشش گیاهی در مساحتی بالغ بر ۱۲۰ مترمربع در حال اجراست.

محمود برهانی ادامه می‌دهد: هدف از اجرای این عملیات، بهبود منظر شهری و ایجاد محیطی شاداب‌تر و دلپذیرتر برای تردد و حضور شهروندان است.

به گفته او، بازپیرایی فضای سبز از برنامه‌های مستمر منطقه است و تلاش می‌شود با تدوین این اقدامات، کیفیت فضای سبز شهری بهبود پیدا کند.

آموزش مهارت «نه گفتن» به جوانان

جمعی از نوجوانان مسجد موسی بن جعفر^(ع) با حضور در نمایشگاه دائمی پیشگیری از اعتیاد «باریگران زندگی» شهرداری منطقه یک، باره‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی آشنا شدند. در این بازدید، کارشناسان درباره پیامدهای مصرف دخانیات، از سیگار و قلیان تا ویپ، و همچنین مضرات مشروبات الکلی و انواع مواد اعتیادآور برای نوجوانان توضیح دادند.

بخش دیگری از برنامه به آموزش مهارت‌های زندگی اختصاص داشت و مفاهیمی مانند عزت نفس، خودباوری و اعتماد به نفس و مهارت «نه گفتن» در موقعیت‌های پرخطر آموزش داده شد.



مطالبات محله کوی دکتر آروی میز شورای اجتماعی

جلسه شورای اجتماعی محله کوی دکتر آروی با هدف بررسی مسائل و مطالبات اهالی در مسجد الزهرا^(س) محله سناباد برگزار شد. در این نشست، ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی مسجد و راه‌های استفاده از آن برای اجرای برنامه‌های محله محور بررسی شد. نصب تابلوهای ممنوعیت سگ‌گردانی در بوستان‌ها، تولید محتوای فرهنگی در فضای مجازی و سامان‌دهی پیاده‌روها و جوی‌های روباز از جمله موضوعات مطرح شده بود.

اعضای شورا همچنین خواستار مساعدت شهرداری برای نصب پرده‌های عرضی در معابر و تأمین تجهیزات مورد نیاز شدند و مصوبات جلسات گذشته را نیز پیگیری کردند.

● بوی نامطبوع جوی

نیش خیابان ایثارگران ۲۳، مشکل دیگری هم وجود دارد. علاوه بر پیاده رو ناهموار بخشی از جوی ریزش کرده و فروریخته است و همین وضعیت هنگام دنده عقب گرفتن یا دورزدن خودروها، دردسرساز می شود. علی جاوید، یکی از کسبه نیش این خیابان، می گوید: حدود یک سال است این مشکل وجود دارد و تقریباً هرروز خودرویی هنگام دنده عقب گرفتن یا دورزدن داخل جوی می افتد و خسارت می بیند. خودرو خودم تاکنون سه بار داخل جوی افتاده و شاسی آن آسیب دیده است.

مشکل فقط به خسارت خودروها محدود نمی شود. شیب نامناسب جوی باعث شده است آب و زباله ها داخل آن را کد بمانند و در نیمه تابستان بوی نامطبوع ایجاد کند که باعث آزار و اذیت کسبه و رهگذران می شود. جاوید، مسجد امیرالمؤمنین^(ع) را نیش همین خیابان نشان می دهد و می گوید: نمازگزارانی که برای اقامه نماز جماعت، به اینجامی آیند دائم از این بوگلایه دارند. حتی همین بو باعث شد تجمعات شبانه که روبه روی مسجد برگزار می شد، از اینجا به جای دیگری در خیابان ایثارگران منتقل شود.

● بودجه محدود برای پیاده‌روسازی

در ادامه بازدید مشخص می شود که خرابی جوی و جدول در نقاطی مانند نیش ایثارگران ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۱۲ و ۱۴ بیشترین چشم می آید، اما مشکل تنها به یک نقطه محدود نیست و در بخش هایی از ابتدای انتهای خیابان، نمونه هایی از فرسودگی جوی، جدول و پیاده رو دیده می شود. برای پاسخ این مطالبه، سراغ رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۲ رفتیم.

رضا فضلیان درباره وضعیت این خیابان می گوید: در حال حاضر تنها برای لکه گیری پیاده رو اعتبار در اختیار ما قرار دارد، اما در مهر ماه مناقصه ای برای ساخت پیاده رو برگزار می شود و در صورت مشخص شدن پیمانکار، امکان هزینه کرد بخشی از اعتبار برای این محله وجود خواهد داشت.

او ادامه می دهد: با اعتبار موجود، امکان بازسازی پیاده رو حداقل یک یا دو معبر در این خیابان وجود دارد که با نظر اهالی و مسئولان محله در اولویت قرار خواهد گرفت.

این مسئول همچنین درباره جوی و جدول نیش خیابان ایثارگران ۲۳ توضیح می دهد: کارشناسان اداره از این محل بازدید خواهند کرد و در صورت تأیید خطر آفرین بودن وضعیت، در اولین فرصت، اقدامات لازم برای رفع خطر انجام می شود.



● مسیر ناهموار برای عابران

در همان ابتدای بازدید میدانی از خیابان ایثارگران، در بخش هایی از پیاده رو، اختلاف سطح و ناهمواری به وضوح دیده می شود. علی اصغر قربانی، رئیس شورای محله ایثارگران که در این بازدید همراه ما حضور دارد، می گوید: نگاه کنید؛ مثلاً فردی که با ویلچر تردد می کند یا مادری که کالسکه نوزاد همراه دارد، برای عبور از این مسیر با شیب ها و اختلاف سطح های مختلف روبه روست. عابران سالخورده هم برای رد شدن از این ناهمواری ها با مشکل مواجه می شوند. طی ماه گذشته، دو نفر نیش ایثارگران ۲۱ پایشان پیچ خورده است. وی یادآور می شود: در خیابان ایثارگران به خاطر فاز تجاری که دارد تردد بیشتر از دیگر معابر است. از مدیران شهری تقاضا داریم این موضوع را در اولویتشان بگذارند.

او درباره سابقه پیگیری ها برای بازسازی پیاده رو توضیح می دهد: سال ۱۴۰۳ شهردار وقت منطقه ۲ اعلام کرد که ساخت پیاده رو در بخش فرد خیابان ایثارگران به تصویب رسیده است و طرح اجرایی خواهد شد و دو سال بعد هم سمت دیگر خیابان ترمیم می شود، ولی حتی طرح در یک سمت خیابان نیز اجرایی نشد.

ساکنان و کسبه خیابان ایثارگران از وضعیت پیاده رو و جوی و جدول خراب این معبر گله دارند

پیاده‌ها در مسیر ناهموار

صدرا خیابان ایثارگران یکی از خیابان های اصلی و پرتردد محله ایثارگران است که در قسمت هایی از آن، پیاده روهای ناهموار، جدول های فرسوده و جوی های آسیب دیده، تردد عابران و خودروها را با مشکل مواجه کرده است. دشواری رفت و آمد افراد دارای معلولیت و مادرائی که کالسکه کودک همراه دارند، آب ماندگی و ایجاد بوی نامطبوع و حتی افتادن خودروها داخل جوی، بخشی از مشکلاتی است که ساکنان و کسبه این خیابان با ما در میان می گذارند.

هم قدم

۲

حال و هوای خوب فضای سبز در منطقه ۲

فضای سبز منطقه ۲ این روزها با اجرای خدمات باغبانی، حال و هوای بهتری پیدا کرده است.

در این طرح، بیش از ۱۲۶ هزار مترمربع علف زنی و ۵۳ هزار مترمربع چمن زنی انجام شده و به ۱۴۷۲ اصله درخت نیز رسیدگی شده است.

اصلاح تشک، حذف تنه جوش و پا جوش، شست و شوی ۱۶۹ اصله درخت، هرس سرشاخه خشک ۱۲۰ اصله درخت و قطع سه درخت خشک از دیگر اقدامات انجام شده است. این عملیات با هدف ارتقای کیفیت فضای سبز، بهبود سیمای شهری و ارائه خدمات مطلوب تر به شهروندان ادامه دارد.

برخورد با متخلفان ساخت و ساز غیرمجاز

اسکلت یک ساختمان غیرمجاز در خیابان شهید طرحی ۳۲، با هدف حفاظت از اراضی حریم شهر و جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز، جمع شد. این عملیات پس از اعمال قانون و با تخریب اسکلت طبقه اول ساختمانی به مساحت صد مترمربع انجام شد.

به گفته امین تفضلی، معاون فنی و اجرایی منطقه ۲، این اقدام برای جلوگیری از تغییر کاربری و تفکیک غیرمجاز اراضی و همچنین حفظ نظم شهری و صیانت از حقوق شهروندان انجام شده است. برخورد با متخلفات ساختمانی در حریم شهر به صورت مستمر دنبال می شود.

شهر خبر

۲

دیوارکشی غیرمجاز در محدوده توس ۸۵ جمع شد تا بخشی از اراضی این محدوده دوباره به وضعیت پیشین خود بازگردد. به گفته شهردار منطقه ۲ این عملیات در زمینی به مساحت تقریبی ۱۵۰۰ مترمربع به همراه اعیان آن به مساحت حدود دویست مترمربع اجرا شده است. حسین بنایی منش، با اشاره به این اقدام، می گوید: در بررسی های انجام شده در محدوده بولوار توس، یک مورد دیوارکشی غیرمجاز شناسایی شد که پس از طی مراحل قانونی، حکم آزادسازی آن اجرا شد.

وی ادامه می دهد: جلوگیری از شکل گیری ساخت و سازهای خارج از ضوابط، نیازمند نظارت مستمر بر اراضی محدوده شهر است و مدیریت شهری در این زمینه، اقدامات قانونی لازم را دنبال می کند.

محدوده توس از جمله بخش هایی است که کنترل ساخت و ساز و پیشگیری از تغییرات غیرمجاز در اراضی آن، مورد توجه مدیریت شهری قرار دارد. در همین راستا، شناسایی موارد تخلف و رسیدگی به آن ها پس از طی مراحل قانونی انجام می شود تا از ایجاد بناها و تغییرات بدون مجوز جلوگیری شود.



اقدام شهرداری منطقه ۲ در کنترل ساخت و ساز و پیشگیری از تغییرات غیرمجاز

اراضی توس ۸۵ آزاد شد

سعید دانشور آریا، کوه‌نورد نابینای محله فرامرز عباسی
از مسیری می‌گوید که برای رسیدن به قله‌های زندگی طی کرده است

قله، سهم اراده‌های تسلیم‌ناپذیر



۲ سال
سخت

هارنس را با کمک استاد و راهنمایش،
جواد دهقان، به تن کرده و بند هایش
را دور پاها محکم می‌کند. کوله پشتش
کاو رآبی رنگی دارد که روی آن نوشته

«کوه‌نورد نابینا». آن را تنظیم می‌کند و راهی تمرین می‌شود. یکی
از دیواره‌های تمرینی قله زو در مسیر «چشمه گفت وگو»، محل
گفت‌وگوی ماست؛ همان مسیری که کوه‌نوردی را از آنجا شروع
کرده است. سعید آقا قصه زندگی‌اش را این‌طور شروع می‌کند:
۱۳۶۸ سال آخر دانشگاه در مقطع کارشناسی رشته مدیریت
دانشگاه تهران بودم که متوجه شدم دید چشمانم در شب دیگر
مثل گذشته نیست. شب‌کوری گرفتم و به مرور و با وجود تلاش
پزشکان، به صورت کامل بینایی‌ام را از دست دادم. دو سال سخت
را پشت سر گذاشتم و با وجود تلاش‌های پدر و مادرم، چیزی مثل
سابق نشد.

سعید آقامدتی مدام از خودش می‌پرسیده که چرا این اتفاق برای
او افتاده و به هر قیمتی که شده باید دوباره بینایی‌اش را برگرداند؛
اما در نهایت خودش را با شرایط تازه منطبق کرده است؛ می‌گوید:
از هر دری وارد شدم، بدون نتیجه ماند. در نهایت همه چیز را
پذیرفتم. دوباره توانمندی و سخت‌کوشی دوران کودکی و جوانی
را در خودم زنده کردم و گفتم سعید نباید از هم‌سن و سال‌های
خودش کم بیاورد و حتی باید مسیر زندگی‌اش بهتر از آن‌ها باشد.

از مدرسه امید
تا قله زو

ثبت نام در بهزیستی و یادگیری
مهارت‌های لازم برای زندگی با شرایط
جدید، شروع دوباره او بود. بعد از آن
سراغ ورزش رفت. سعید آقامی‌گوید:
پیش از نابینایی پینگ‌پنگ و والیبال
بازی می‌کردم، اما بازی در این رشته‌ها دیگر برایم امکان‌پذیر
نبود. برای همین شنا و گل‌بال را انتخاب کردم. سه ماه بیشتر
گل‌بال تمرین نکرده بودم که برای مسابقات استان به تیم اضافه
شدم. از آن به بعد به تیم استان راه پیدا کردم و در پست‌های
مدیریتی همکاری‌ام را با هیئت گل‌بال استان و هیئت ورزش
نابینایان ادامه دادم.

سعید آقاپیش از فعالیت جدی ورزشی، در آموزش و پرورش استثنایی
به عنوان معلم ریاضی دانش‌آموزان نابینا مشغول به کار شد و در
ادامه، مدیریت مدرسه نابینایان امید را بر عهده گرفت. چند ماهی
بیشتر از بازتسلطی‌اش نمی‌گذشت، اما همین مدرسه نقطه
آشنایی او با کوه شد. او می‌گوید: دوازده سال پیش، همکاران بینای
ماکنار هم درباره صعود به قله زو صحبت می‌کردند و می‌گفتند
بعضی از هم تیمی‌هایشان کم‌آورده‌اند و نتوانسته‌اند قله را کامل
بالا بروند. همان جاعلی‌آقا، پسرعمویم را که در مدرسه مشاور و
امین من بود، صدا کردم و از او خواستم با هم به این کوه برویم
و خوشبختانه توانستم به راحتی به بالای آن برسیم. بعد از آن،
صبح‌ها در پارک ملت می‌دویدم و با کوه‌نوردان حرفه‌ای‌تر آشنا
شدم. صحبت آن‌ها از قله‌های بلند ایران بود. همین صحبت‌ها
دماوند را به هدف بعدی من تبدیل کرد.



میترا صدرا آن بالا که هست، باد که به صورتش می‌خورد، انگار دیگر نیازی به دیدن ندارد. درست جایی که هر چشم بینایی، دلش
می‌خواهد فقط آسمان را ببیند و بس. اما او با برخورد هر باد و نسیم به صورتش، می‌تواند تصور کند به کجا رسیده است و چه پهنه
و سیعی رویه رویش قرار دارد. گویا به جای چشم‌هایش با چشم دل به تماشانشسته است.

دوست دارد خودش را به چالش بکشد. کسی که اهل پرواز است و می‌خواهد به بلندی‌ها برسد، هیچ سدی برایش وجود ندارد؛ حتی
وقتی درست در اوج جوانی، دنیا برایش تیره و تار شد. آن هم وقتی که برای مسیر پیش‌رو آینده‌زندی‌اش برنامه‌ریزی کرده بود.
سعید دانشور آریا، کوه‌نورد ساکن محله فرامرز عباسی، بعد از بیست و دو سالگی و نابینا شدن با چالش‌های متفاوتی در زندگی رویه‌رو
شده است. اما توانسته پس از فعالیت در ورزش گل‌بال و تدریس در مدارس استثنایی، سراغ کوه‌نوردی برود. او اکثر قله‌های ایران
و تعدادی قله خارج از کشور را صعود کرده و چهار بار نیز به دماوند رسیده است. حالا صعود به گرده آلمان‌ها، در قله علم‌کوه، یکی از
سخت‌ترین مسیرهای فنی کوه‌نوردی ایران، را در کارنامه دارد؛ صعودی که آن را به مردم ایران تقدیم کرده است.

هر فتح یک تجربه تازه

با پسربزرگش پوریا، پسرعمویش علی آقا و همکارش آقای عباسی، برنامه رادر میان گذاشت. هیچ کدام به دماوند صعود نکرده بودند، اما با صعود به قله هایی مانند بینالود و شیرباد خودشان را آماده کردند. سعید آقا

ادامه می دهد: هرچه به قله نزدیک تر می شدیم، کوه نوردان بیشتری به همراهانم می گفتند قید این صعود را بنیم و من را برگردانند، ولی تصمیمم را گرفته بودم. مسیر دماوند از ارتفاع ۵ هزار متر به بالا خیلی سخت می شود. پسرعمو و همکارم کم آوردند، ولی من و پوریا سر حال بودیم. به پسرم گفتم می خواهم بقیه مسیر را تاقله بدم.

سرانجام روی بام ایران ایستاد. بعد از آن، صعود هایش ادامه پیدا کرد؛ تفتان، سبلان، هزار، علم کوه و قله های دیگری که هر کدام تجربه ای تازه برای او به یادگار گذاشتند. دوسال پیش نیز همراه گروه آلپ که خودش آن راه اندازی کرده است، به سنبران و زردکوه در استان های لرستان و چهارمحال و بختیاری رفت و خاطرات بسیاری از آن ها به یاد دارد که لبخند بر لبانش می نشانند.

سعید آقا با پیش را روی سنگ های تمرینی قله زو جابه جامی کند؛ در باره ترس از ارتفاع یا سختی صعود از او سؤال می کنم؛ می گوید: اگر ترسم، دو اتفاق می افتد؛ یکی اینکه خودم نمی توانم با اعتماد به نفس سراغ صعود بروم و دیگری اینکه همراه و هم طنابم از کمک به من متزلزل می شود. باید به خودم اعتماد داشته باشم و به آن ها قوت قلب بدهم. همان طور که صحبت می کنیم، جواد آقا و راهنمایی می کند و می گوید: پای راستت را به ساعت ۶ برسان.

این نحوه راهنمایی آن هاست. سعید آقا بآن ساعت را به خوبی آموخته و با هر نکته ای که می گویند، بدنش را به همان سمت سوق می دهد. تجربه صعود های متفاوت و سنگین قله های ایران او را به این فکر انداخت که سراغ چالش جدیدی برود یعنی گرده آلمان ها. سخت ترین و فنی ترین دیواره ایران.

آماده شدن برای صعودی خاص

سعید آقا اول شهریور ۱۳۹۹، همراه پسرعمویش به قله علم کوه صعود کرده بود و تجربه این قله رادر کارنامه اش داشت. ولی هنوز چیزی درباره صعود های فنی نمی دانست. بالاخره سه سال پیش تصمیم گرفت که سراغ صعود های فنی برود. برای رسیدن به قله، فقط تجربه صعود کافی نبود، بلکه باید کار با کاربین، طناب، هارنس و... را می آموخت. از استاد جواد دهقانی خواست برای آموزش به دفتر تیم آلپ بیاید و انواع گره ها را به آن ها یاد بدهد. این آموزش نقطه آغاز دوستی و هم طناب شدن آن ها شد.

سعید آقا می گوید: بعد از آموزش های لازم تمریناتم را زیر نظر جواد آقا در سایت های کوه نوردی اطراف مشهد مثل اخلمد و اندروخ شروع کردم. وقتی کوه نوردان و استادان دیگر اشتیاقم را برای صعود فنی می دیدند، باتوجه به شرایطم از من می خواستند که قید بالارفتن را بنیم و تنهابه فرود با تجهیزات در دره ها فکر کنم؛ چون میزان سختی آن از صعود کمتر است، اما هیچ کدام از این حرف ها مانع نمی شد. می خواستم ثابت کنم که افراد دارای محدودیت نیز می توانند.

پس از حدود هشت ماه تمرین مداوم، خودش را آماده صعود می دید. سعید آقا موضوع را با هیئت کوه نوردی استان هم مطرح کرد. اما حمایتی که انتظار داشت، دریافت نکرد. در نهایت با جواد آقا برنامه را پیش بردند. سعید آقا می گوید: برای صعود به فردی نیاز داشتیم که شناخت کاملی از مسیر داشته باشد. فواد احمدی، بیش از هفت بار گرده را صعود کرده بود، حتی در زمستان. وقتی با او تماس گرفتم و نیمه را گفتم، به تیم اضافه شد.

از وندارین تا پای گرده

تیم از چالوس و کلاردشت به رودبارک و سپس قرارگاه وندارین رسید. پیمایش تا علم چال و محل کمپ حدود هشت ساعت زمان برد. شب را همان جاسپری کردند و صبح چهارشنبه سرپرست تیم، فواد آقا، تا

نزدیکی گرده را بررسی کرد تا در مسیر رسیدن به دیواره مشکلی پیش نیاید. یخچال های علم کوه در نیمه تابستان همچنان وجود دارند و همین، طی مسیر از علم چال را برای آن ها سخت کرده بود. پنجشنبه

صبح بادستور سرپرست، حرکتشان به سمت گرده را آغاز کردند. سعید آقا می گوید: مسیر برفی و یخ زده بود و شیب آن به سمت دره قرار داشت. این بخش را هم پشت سر گذاشتیم و با سه کوله بسیار سبک وارد مسیر صعود شدیم؛ آب، یک شیشه نوشیدنی شیرین و یک بسته بیسکویت و کاپشن سبک تنهالوازم همراهان بود.

خاطره ای از شب قبل را هم برایمان تعریف می کند و می گوید: شب قبل از صعود، آقا جواد از من خواست یک بار دیگر شرایط را بررسی کنم و گفت «همان طور که خودت می دانی، وقتی وارد گرده می شویم، بعد از یک ساعت دیگر راه برگشتی وجود ندارد و باید تا آخر مسیر را برویم. سنگ ها ریزشی است و فرود آمدن خطرناک است. اگر هنوز نیاز به تمرین داری فعلا صعود را کنسل می کنیم.» گفتم آمادگی بدنی و ذهنی ام تا دیروز از هزار تا ۹۹۹ بود، ولی امروز بیش از هزار و پانصد تا است. وارد گرده می شوم و محکم و قوی از آن سمت به قله می رسم.

۶۵۰ متر سخت روی دیواره

پنجشنبه ساعت ۶ صبح وارد مسیر شدند. باید ۶۵۰ متر مسیر فنی را پشت سر می گذاشتند؛ مسیری شامل دیواره های سه تا پنج متری، بخش هایی که به یک رکابی، دورکابی و سه رکابی، شیب های منفی و تراورس های با معیار یک معروف هستند. سعید آقا می گوید: چالش های مسیر آن قدر زیاد بود که خیلی وقت ها همراهانم نمی توانستند مستقیم کمکی برسانند و مسیر را برایم توضیح می دادند. اندازه فضا را می گفتند و راهنمایی ام می کردند که دست یا پایم را کجا بگذارم. نمی گویم ترس و استرس نداشتم، ولی قابل کنترل بود. کمی ترس برای مراقبت از خودم لازم بود. اما نباید در کارم خلل ایجاد می کرد.

آقا فواد، سرپرست تیم، جلو می رفته و در قسمت های بالاتر کارگاه را آماده می کرده و طناب را می انداخته تا سعید آقا و جواد آقا صعود بهتری را تجربه کنند. ساعت ۵ عصر به ارتفاع ۴۶۵۰ متری قله و به طاقچه ای حدود دو و نیم در سه متر، رسیدند که شد محل استراحت شبانه آن ها؛ سعید آقا می گوید: هنوز پنج ساعتی تا قله فاصله داشتیم و آقا فواد صلاح ندانست که شب صعود را ادامه دهیم. یک سمت تخته سنگ دیواره بود و سمت دیگرش شیب، کمپ در آن شرایط بسیار هیجان انگیز بود. با طناب خودمان را به دیواره محکم کردیم که اگر خوابمان برد، اتفاقی نیفتد. هوا سرد بود و نتوانستم خوب بخوابم. صبح از ساعت ۵ بیدار بودیم و منتظر ماندیم خورشید به ما تابد و پاهایمان گرم شود. پاهایمان زانو به پایین یخ زده و کرخت بود. کمی که گرم شدیم، دوباره مسیر را ادامه دادیم. به سنگ سماور که رسیدیم، از خوشحالی فریاد می زدیم؛ چیزی تا پایان گرده نمانده بود.

ساعت ۱۱:۵۰ روز جمعه، ۹ مرداد ۱۴۰۵، او و هم تیمی هایش صعود به فنی ترین دیوار ایران را به پایان رساندند. سعید آقا که هنوز شوق آن لحظه را به یاد دارد، می گوید: بغض گلویم را گرفت و اشک از چشمانم جاری شد. خداوند را شکر کردم که توانسته ام چالش دیگری را در زندگی پشت سر بگذارم. استادانم را بغل کردم و اشک شوق ریختم. بعد هم از بین تخته سنگ های بزرگی که تاقله داشتیم با راهنمایی استادانم گذشتم و به قله رفتم.

صعودی برای امید

سعید آقا می گوید هدفش از فعالیت های ورزشی، تنها ثبت یک صعود یا افزودن نام یک قله به کارنامه اش نیست؛ می خواهد این فعالیت ها برای دیگران نیز معنایی داشته باشد و اضافه می کند: هدفم این است که الگویی باشم برای مردم کشورم و به آن هایی که در زندگی با چالش روبه رومی شوند، امید بدهم. ایستادگی و مقاومت در برابر سختی ها مهم ترین درسی است که از این چالش ها آموخته ام. می خواهم به هم وطنانم بگویم مشکلات را هم می توان مثل گرده آلمانی ها پشت سر گذاشت.

سعید آقا به همین دلیل این صعود را به مردم ایران تقدیم می کند و می گوید: این صعود را به آن ها تقدیم می کنم. در حال حاضر در شرایط خاصی هستیم. کشور با جنگ روبه روست و مردم از لحاظ اقتصادی در فشار قرار دارند. دوست داشتم به هم وطنانم امید بدهم و به آن ها یادآوری کنم که ما مردمی شجاع و قوی هستیم و هیچ وقت در برابر سختی ها سر خم نمی کنیم و همه این شرایط را با سربلندی طی خواهیم کرد.

پشت و پناه و همراه همیشگی موفقیت ها

شهین شریفی، همسر سعید دانشور آریا، سال هاست در کنار او و همراه برنامه هایش است. آشنایی آن ها به واسطه یکی از استادان دانشگاه شهین خانم شکل گرفت که همکار سعید آقا در مدرسه نایبانیان امید بوده است. آن ها سال ۱۳۷۳ از دواج کردند و دو پسر دارند. شهین خانم درباره انتخابش می گوید: بعد از چند جلسه صحبت مفصل، دیدم سعید آقا همه ویژگی هایی را که برای همراه زندگی می خواهم، دارا است. تنها محدودیتش، بینایی بود که برای من اهمیت زیادی نداشت. اصلا فکر نمی کنم با یک نابینا از دواج کرده ام؛ او در همه کارها و امور زندگی توانمند است.

شهین خانم از همان ابتدای زندگی مشترک با برنامه ها و علاقه سعید آقا با تجربه های تازه روبه روسته است. وقتی همسرش کوه نوردی را انتخاب کرد، مخالفتی با آن نداشت. می گوید: نگرانی وجود دارد، ولی همیشه می دانستم با اعتماد کامل قدم در این مسیر می گذارد و مطمئن بودم با اراده قوی از پس کار بر خواهد آمد.



جلسه «مثبت شصت ساله‌ها» به یاد حاج حسین ملک، بزرگ‌ترین واقف فرهنگی ایران، برگزار شد

میراثی فراتر از املاک



راه تجربه

قاسم فتحی | حاج حسین ملک

بزرگ‌ترین واقف ایران بود؟ هادی قائمی، پژوهشگر تاریخ و کارشناس وقف، در آغاز سخنانش ترجیح داد همین پرسش را اصلاح کند. به اعتقاد او، اگر مقصود از «بزرگ‌ترین» وسعت زمین‌ها یا ارزش اقتصادی موقوفات باشد، این ادعا نیازمند پژوهشی جامع و مقایسه‌ای است؛ اما اگر سخن از فرهنگ، کتاب، دانش و میراث مکتوب ایران باشد، می‌توان با اطمینان از حاج حسین ملک به عنوان «بزرگ‌ترین واقف فرهنگی کشور» یاد کرد؛ عنوانی که نه بر پایه اغراق، بلکه بر اساس ماهیت و جهت‌گیری موقوفات او شکل گرفته است.

این سخنان در نشست مثبت شصت ساله‌ها به یاد حاج حسین ملک، بزرگ‌ترین واقف فرهنگی ایران، که در محله سجاد برگزار شد، مطرح شد. نشستی که در آن هادی قائمی با مرور زندگی، فعالیت‌های اجتماعی و موقوفات این چهره نامدار، تصویری متفاوت از او ارائه داد؛ تصویری که نشان می‌دهد حاج حسین ملک تنها یک ثروتمند نیکوکار نبود، بلکه اندیشمندی اهل مطالعه بود که با شناخت دقیق نیازهای جامعه، ثروتش را در مسیر فرهنگ، آموزش و سلامت عمومی به کار گرفت.



تجربه سیاست و کناره‌گیری از قدرت

برای فرار از قانون اصلاحات ارضی چنین تصمیمی گرفت. قائمی هر دو روایت را با استناد به تاریخ وقف نام‌ها رد کرد. او یادآور شد نخستین وقف حاج حسین ملک در سال ۱۳۱۶ انجام شد؛ زمانی که خانه پدری خود در بازار بین‌الحرمین تهران، همراه با مجموعه کتاب‌های چاپی، نسخه‌های خطی، سکه‌ها، تمبرها و آثار ارزشمند دیگر را به آستان قدس رضوی وقف کرد؛ اموالی که اساساً در معرض مصادره یا اصلاحات ارضی قرار نداشتند. از سوی دیگر، بیشتر موقوفات بزرگ او نیز پیش از اجرای قانون اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ ثبت شده بودند. بنابراین، به اعتقاد قائمی، وقف‌های ملک نه اقدامی سیاسی، بلکه حاصل اعتقادی عمیق و تصمیمی آگاهانه بود.

بخش دیگری از سخنان قائمی به نقش حاج حسین ملک در رویدادهای سیاسی او اواخر قاجار اختصاص داشت. او توضیح داد که ملک برخلاف پدرش، هیچ‌گاه سیاستمداری حرفه‌ای نشد، هرچند تحولات مشروطه را از نزدیک تجربه کرد. در جریان بحران شورش نان در مشهد و اعتراض‌های مردمی، او نیز مانند بسیاری از آزادی‌خواهان تحت فشار قرار گرفت، شلاق خورد و مدتی را در زندان گذراند. حتی گفته می‌شود در اثر همان ضرب و شتم، یکی از گوش‌هایش آسیب دید و تا پایان عمر شنوایی کامل نداشت. قائمی معتقد است همین تجربه‌های تلخ باعث شد حاج حسین ملک پس از آن کمتر وارد فعالیت مستقیم سیاسی شود و بیش از هر چیز، راه خدمت به جامعه را در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی جست و جو کند.



وقف: انتخابی برخاسته از باور

یکی از مهم‌ترین بخش‌های سخنان هادی قائمی، بررسی انگیزه‌های وقف‌های حاج حسین ملک بود. او به دو روایت مشهور درباره انگیزه‌های این واقف اشاره کرد: نخست اینکه برخی گفته‌اند ملک برای جلوگیری از مصادره املاکش در دوره رضاشاه آن‌ها را وقف کرد و دوم اینکه عده‌ای معتقدند او

چرا «بزرگ‌ترین واقف فرهنگی»؟

قائمی در ابتدای نشست تأکید کرد که درباره شخصیت‌های تاریخی باید از عناوین دقیق استفاده کرد. به گفته او، عنوان «بزرگ‌ترین واقف ایران» می‌تواند محل مناقشه باشد؛ زیرا مشخص نیست ملاک، تعداد موقوفات، وسعت املاک یا ارزش اقتصادی آن‌ها باشد. اما درباره حاج حسین ملک، وجه غالب تمام موقوفات، خدمت به فرهنگ و دانش است و از این رو عنوان «بزرگ‌ترین واقف فرهنگی کشور» عنوانی علمی‌تر و پذیرفتنی‌تر به شمار می‌رود.

این پژوهشگر تاریخ، در ادامه به پیشینه خاندان ملک پرداخت و گفت که بر اساس برخی منابع تاریخی، از جمله کتاب رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، اجداد خاندان ملک از نواحی شمال افغانستان به تبریز مهاجرت کرده بودند و بعداً در این شهر به تجارت پرداختند. دینسل پیش از حاج حسین، خاندان او با لقب «ملک التجار» شناخته می‌شدند. این لقب در دوره قاجار به پدر خانواده اعطا شد و جایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان را نشان می‌داد. هم‌زمان تبریز محل اقامت ولیعهدان قاجار بود و ناصرالدین میرزا نیز پیش از پادشاهی در همین شهر زندگی می‌کرد.

پدر حاج حسین ملک به تدریج به یکی از تاجران بانفوذ کشور تبدیل شد؛ تاجایی که در بسیاری از مسائل سیاسی و اقتصادی عصر خود نقش و نفوذ داشت.

تولد و شکل‌گیری شخصیت حاج حسین ملک

حاج حسین ملک در سال ۱۲۵۰ خورشیدی متولد شد. او تحصیلات خود را در مدرسه آلیانس تهران گذراند و در همان دوران زبان فرانسه را نیز فرا گرفت. به گفته این پژوهشگر، ملک از همان سال‌های جوانی علاقه فراوانی به کتاب و مطالعه داشت و بعدها همین علاقه، مسیر زندگی او را تغییر داد. نخستین سفرش به مشهد حدود هشت سال پیش از انقلاب مشروطه و برای سرکشی به املاک خانوادگی انجام شد. خاندان ملک در فریمان، چناران و مناطق مختلف خراسان املاک گسترده‌ای داشتند و همین موضوع باعث شد او ارتباط عمیقی با مشهد پیدا کند. چند سال بعد بار دیگر به عنوان نماینده پدر را می‌مشهد شد و این بار اقامتش طولانی‌تر شد. ازدواج با دختر میرزا عبد... از خاندان متولیان یکی از موقوفات قدیمی مشهد، نیز سبب شد زندگی او بیش از پیش با این شهر گره بخورد.



کتابخانه‌ای که خلایک دوران را پر کرد

به اعتقاد قائمی، مهم‌ترین میراث حاج حسین ملک، کتابخانه و موزه ملی ملک در تهران است. او گفت اگر این کتابخانه شکل نمی‌گرفت، نسل نخست پژوهشگران ایرانی برای دسترسی به بسیاری از نسخه‌های خطی ناچار بودند به کتابخانه‌های خارج از کشور مراجعه کنند. تمرکز ملک بر گردآوری نسخه‌های خطی، اسناد تاریخی و آثار ارزشمند فرهنگی، خدمتی بود که حتی بسیاری از نهاد‌های دولتی در هشت دهه گذشته نتوانسته‌اند در همان اندازه انجام دهند.

از این رو، قائمی معتقد است عنوان «بزرگ‌ترین واقف فرهنگی ایران» بیش از هر چیز، نتیجه همین نگاه آینده‌نگر و فرهنگ‌محور است. این پژوهشگر در پایان، با اشاره به تفاوت «وقف» و «بخشش» گفت هر بخششی وقف نیست. وقف، ساختاری حقوقی و فرهنگی دارد که بر اساس وقف نام‌تنظیم می‌شود و مهم‌ترین ویژگی آن، دوام ماندگاری است.

یادی از امام جماعت مسجد ولی عصر (عج) که بعد از ۲۰ سال پدری برای اهالی، به تازگی به رحمت خدا رفت

وداع با خادم محله

یاد آشنا

نبود. بیانش مخاطب را جذب می کرد؛ وقتی بر منبر می نشست، آرامش همه فضا را می گرفت. یادم است چند سال پیش، از جواد فروغی، قاری بین المللی قرآن که هم محله ای ماست، دعوت کردیم به مسجد بیاید. آقای فروغی بعدها به من گفت با وجود حضور در مساجد متعدد، شخصیت حاج آقافانی و قرانت دل نشین نمازش، او را مجذوب کرده بود.

● گره گشای مردم محله

حسن زاده در ادامه به فعالیت های اجتماعی مرحوم اشاره می کند و می گوید: خیریه مسجد ولی عصر (عج) بامدیریت ایشان کارهای بزرگی انجام داد، از آزادسازی زندانیان تا گره گشایی از خانواده های محله. اما مهم تر از کارهای اجرایی، شیوه برخورد ایشان با جوانان و نوجوانان بود. مرحوم حاج آقافانی بلد بود با جوان ها چطور حرف بزند، طوری که آن ها جذب مسجد می شدند.

او هم در گفت و گویش تأکید می کند: امام جماعت مسجد با اینکه سال ها با بیماری سخت درگیر بود، روحیه جهادی اش را حفظ کرده بود. حتی وقتی از بیمارستان مرخص می شد، به مسجد می آمد و در برنامه ها حضور داشت.

این کنشگر فرهنگی با اندوه درباره مراسم تشییع می گوید: روز اربعین مردم واقعا سنگ تمام گذاشتند. پیکر حاج آقا را به مسجد آوردیم و در فضایی غم انگیز با او وداع کردیم. حالا مرحوم حاج آقافانی در قطعه ۴۸ بهشت رضا (ع) آرام گرفته است.

برای نو عروسان، همه زیر نظر مستقیم حاج آقا انجام می شد. او می گوید: مرحوم فانی شصت سال بیشتر نداشت، سال ها با بیماری سرطان و مشکلات جسمی دست و پنجه نرم کرد، اما بیماری هم مانع رفت و آمد او به مسجد نشد. اوایل سال جاری که بیماری اش شدت گرفت، دیگر توان حضور نداشت، اما تا آخرین روزهایی که می توانست، حتی با حال نامساعد هم خودش را به مسجد می رساند.

● صدایش آرام بخش بود

مسئول فرهنگی مسجد ولی عصر (عج)، حاج آقافانی را یک کارشناس مجرب در حوزه اخلاق معرفی می کند که جای خالی اش هرگز پر نخواهد شد.

زهره حسن زاده می گوید: مرحوم حاج آقافانی فقط یک پیش نماز

حمیده صفائی ادرست در شب اربعین حسینی، وقتی صدای روضه و عزاداری در کوچه پس کوچه های محله راهنمایی به گوش می رسید، این محله یکی از ستون های معنوی اش را از دست داد. حجت الاسلام والمسلمین عبدالجواد فانی، امام جماعت محبوب این مسجد، که معتمد اهالی محله بود، پس از تحمل سال ها رنج بیماری، در شب اربعین دعوت حق را لبیک گفت.

● فقط امام جماعت نبود

یکی از نمازگزاران قدیمی مسجد که بیش از سی سال است در مسجد ولی عصر (عج) رفت و آمد دارد، وقتی از مرحوم حجت الاسلام والمسلمین فانی می گوید، صدایش می لرزد. فاطمه ابراهیم پور او را تنها یک امام جماعت نمی داند؛ بلکه معتقد است مرحوم حاج آقا امین مردم محله بود و شاید در محله شبیه او را نتوان پیدا کرد.

او تعریف می کند: حدود بیست سال حاج آقافانی امام جماعت مسجد ما بود. ارتباطش با نمازگزاران فراتر از این بود که فقط برای نماز خواندن بیاید. ایشان برای همه عزیز بود، به ویژه جوانان و نوجوانان که با برنامه های فرهنگی آن ها را جذب مسجد می کرد.

ابراهیم پور ادامه می دهد: در مسجد ما به همت ایشان، نود خانوار تحت پوشش بودند؛ شصت خانوار در قسمت خواران و سی خانوار در قسمت برادران. از تهیه بسته های معیشتی و وام های ضروری گرفته تا تأمین جهیزیه



نوجوان کاراته کار محله نوده، از مطالعه کتاب ها، درس های مهمی گرفته است

شهدا، الگوی شجاعت مینا

● کدام بخش کاراته را بیشتر دوست داری؟

کومیته یا همان مبارزه، چون به مبارزه علاقه دارم. برایم ارزشمند است آن قدر قوی باشم که از حریف مقابلم هراسی نداشته باشم و با اعتماد به نفس مبارزه کنم.

● برای آینده ورزشی ات چه برنامه ای داری؟

می خواهم مربی شوم. آموزش به کودکان را خیلی دوست دارم و این کار حس خوبی به من می دهد. در کنار آن می خواهم با تلاش و پشتکار به تیم ملی برسم و در مسابقات المپیک شرکت کنم.

● چه کسی الگوی توست؟

مربی ام، مبینا قلندرآبادی، خیلی برای ما زحمت می کشد. در زمان مسابقات به ما آرامش می دهد و از ما می خواهد تمرکزمان را روی حریف بگذاریم و از روبرو به روشدن با او نترسیم.

● به جز ورزش فعالیت دیگری هم داری؟

به کتاب خواندن علاقه دارم. به خصوص مطالعه درباره زندگی شهدا را دوست دارم. «حاج قاسمی که من می شناسم»، «قهرمانان ایران» و «قصه های خوب بچه ها» از بهترین کتاب هایی بوده اند که خوانده ام.

● چرا به زندگی شهدا علاقه مند هستی؟

با خواندن خاطرات و آشنایی با روزهایی که آن ها پشت سر گذاشته اند، از زندگی شان درس می گیرم. شجاعت، ایثار و از خودگذشتگی، مهم ترین درس هایی هستند که از مطالعه این کتاب ها یاد گرفته ام. آن ها به ما می آموزند که چطور برای حفظ و سربلندی کشورمان تلاش کنیم.



می شد، شرکت کنم. خوشبختانه توانستم در همان مسابقه، مدال طلای رده سنی نونهالان در وزن ۲۸ کیلوگرم را کسب کنم. این اتفاق باعث شد انگیزه بیشتری برای ادامه تمرینات پیدا کنم.

● چه مدال های دیگری تاکنون کسب کرده ای؟

در مجموع ۶ مدال طلا و یک مدال نقره در مسابقات استانی و کشوری دارم. در مسابقات استانی سال ۱۴۰۳ که در مشهد برگزار شد، مقام اول را به دست آوردم. در مسابقات کشوری سال ۱۴۰۴ که در مشهد برگزار شد، هم توانستم مقام سوم را کسب کنم.



صدرا مبینا نوریان فر فقط یازده سال دارد، اما چند سالی است که ورزش بخش مهمی از زندگی اش شده است. این دانش آموز کلاس ششم محله نوده، ورزش را از کودکی با ژیمناستیک آغاز کرد و چهار سال است که روی تاتامی کاراته تمرین می کند. حاصل این سال ها، کسب ۶ مدال طلا و یک مدال نقره در مسابقات استانی و کشوری رشته کاراته است؛ مدال هایی که برای مبینا پایان راه نیستند. او حالا کمربند سبز دارد و می خواهد با تلاش و پشتکار به تیم ملی برسد و روزی در المپیک مسابقه دهد.

● ورزش را از چند سالگی شروع کردی؟

از چهار سالگی ورزش را با رشته ژیمناستیک شروع کردم. این ورزش کمک می کند انعطاف بدنی بیشتری داشته باشم و همین موضوع باعث شد بعدها در کاراته، تکنیک ها را بهتر یاد بگیرم و اجرا کنم.

● چه شد که سراغ کاراته رفتی؟

مادرم مربی سالن است و چند جلسه به دعوت او برای دیدن مسابقات بین بچه های باشگاه رفتم. از همان زمان به این رشته علاقه مند شدم و تصمیم گرفتم تمرینات کاراته را شروع کنم.

● از چه زمانی به مسابقات رفتی؟

دو ماه پیشتر از شروع تمریناتم نگذاشته بود که مربی پیشنهاد داد در مسابقات استانی که در قوچان برگزار

۴ زککش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، ابتارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت...، عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه‌قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین‌یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

۱ احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر



هنرستان دخترانه کیمیا حدود ۲۵ سال است که در این معبر فعالیت می‌کند. تولید محتوای الکترونیکی و انیمیشن، دستیاری طراحی لباس، طراحی و نقاشی فرش، عکاسی دیجیتال، گرافیک رایانه‌ای و معماری داخلی از جمله رشته‌ها و حوزه‌های آموزشی این هنرستان است.

در ابتدای کلاهدوز ۴، منزل مرحوم مهدی کاملان قرار دارد؛ خانه‌ای که در حال حاضر به خاطر بهسازی حسینی بنی فاطمه در خیابان احمدآباد، به محل برگزاری برنامه‌های مناسبتی این هیئت تبدیل شده است.



حال و هوای امروزی یک کوچه قدیمی

صفائی کلاهدوز ۴ یا بخارایی ۳ یکی از معابر بن بست و پرتردد محله راهنمایی است؛ معبری که اگرچه امروز نشانی از خانه‌های قدیمی آن باقی نمانده، در نقشه‌های قدیمی شهر ردپای آن دیده می‌شود. این معبر در نقشه سال ۱۳۴۷ وجود داشته، اما نامی برای آن ثبت نشده بود. اوایل انقلاب نام «محمد بخارایی» بر آن نشست.

خیابان کلاهدوز ۴
محله راهنمایی



یکی از دلایل شلوغی همیشگی این بن بست، فعالیت مرکز بهساز طب است؛ مرکزی که به گفته مسئولانش، نخستین مرکز خصوصی ارائه‌دهنده خدمات MRI در مشهد بوده است. این مرکز در سال ۱۳۷۳ توسط دکتر محمود طاهری، متخصص MRI که از کانادا به ایران بازگشته بود، راه‌اندازی شد.

تردد زیاد خودروها در کلاهدوز ۴ در کنار وضعیت نامناسب آسفالت، یکی از مشکلات این معبر است. ناهمواری‌های سطح خیابان رفت و آمد را برای ساکنان و مراجعه‌کنندگان دشوار کرده و نیاز به رسیدگی و بهسازی آسفالت را ضروری کرده است.



عرض کم پیاده‌رو و پارک خودروها در حاشیه معبر، فضای عبور عابران را محدود کرده است. ساکنان معتقدند سامان‌دهی پارک خودروها و توجه بیشتر به مسیر عبور عابران می‌تواند رفت و آمد را آسان‌تر و ایمن‌تر کند.